

## زبان‌شناسی گویش‌های ایرانی

سال ۸، شماره ۲، پیاپی ۱۲ (باییز و زمستان ۱۴۰۲) شماره صفحات: ۲۶۷ - ۲۸۸

### مفهوم‌سازی استعاری حجاب در گفتمان رسانه‌ای داخل کشور؛ رویکردی شناختی و تحلیل گفتمانی

زینب نوری<sup>۱</sup>، اکرم شکاریان بهزادی<sup>۲\*</sup>

۱. دکترای زبان‌شناسی، مدرس مدعو گروه زبان انگلیسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایلام، ایلام، ایران.

۲. دکترای زبان‌شناسی، مدرس مدعو گروه زبان انگلیسی، دانشگاه فرهنگیان کرمان، کرمان، ایران.

#### چکیده

پژوهش حاضر می‌کوشد استعاره‌های مفهومی رایج در گفتمان حجاب را با رویکرد زبان‌شناسی شناختی و براساس دو نظریه استعاره مفهومی (لیکاف و جانسون، ۱۹۸۰) و تحلیل انتقادی استعاره (چارتریس-بلک، ۲۰۰۴) تحلیل کند. در این پژوهش توصیفی-تحلیلی، داده‌ها متشکل از عبارات استعاری مرتبط با موضوع حجاب است که از متون رسانه‌ای داخل کشور شامل خبرگزاری‌های فارس، مشرق‌نیوز، مهر، تسنیم، باشگاه خبرنگاران جوان و نیز پایگاه اینترنتی خبرآنلاین استخراج شده‌اند. استخراج داده‌ها به کمک روش جستجوی کلیدواژه و در یک دوره زمانی یک‌ساله از ابتدای تیرماه ۱۴۰۱ تا انتهای خردادماه ۱۴۰۲ صورت گرفته است. نتایج مطالعه نشان می‌دهد که حوزه مفهومی جنگ مهم‌ترین حوزه مبدأ برای مفهوم‌سازی حجاب است که استعاره‌های مفهومی متعددی از قبیل «حجاب، جبهه است»، «حجاب، سلاح است» و «حجاب، سنگر است» را شامل می‌شود که آن‌ها را می‌توان ذیل کلید مفهومی «مقوله حجاب، میدان جنگ است» قرار داد. علاوه بر جنگ، حوزه‌های دیگری مانند محافظت، ساختمان و بازار نیز برای مفهوم‌سازی حجاب به کار رفته‌اند. در طرف مقابل، مفهوم بی‌حجابی نیز با استعاره‌هایی از حوزه جنگ، بیماری، گیاهان، آتش و بازار بیان شده‌اند. کارکرد استدلالی و عاطفی این استعاره‌ها تولیدکنندگان گفتمان حجاب را قادر می‌سازد تا نگرش‌ها و باورهای ایدئولوژیکی خود را به صورتی مؤثر منتقل و ترویج کنند.

#### واژه‌های کلیدی:

استعاره مفهومی  
استعاره  
گفتمان حجاب  
مفهوم‌سازی استعاری  
اقناع

#### تاریخچه مقاله:

دریافت: ۱۴ آبان‌ماه ۱۴۰۲

پذیرش: ۲۰ بهمن‌ماه ۱۴۰۲

\* آدرس ایمیل نویسنده مسئول: [shekarian.akram@gmail.com](mailto:shekarian.akram@gmail.com)

### ۱. مقدمه

بحث حجاب یکی از موضوعات مهم در فرهنگ اسلامی است که در جامعه ما نیز همواره مورد توجه صاحب‌نظران بوده و مطالعات مختلفی در این مورد صورت گرفته است که به بررسی مفاهیم مختلف حجاب، اهمیت آن از منظر شریعت اسلام، حدود و محدودیت‌های آن، تأثیر آن در خانواده و اجتماع و سایر مسائل مرتبط با آن پرداخته‌اند. در چند سال اخیر و در تریبون‌های رسمی و غیررسمی و همچنین رسانه‌های مختلف، مقوله حجاب و عفاف یکی از داغ‌ترین مباحث است که به محلی برای بحث و تنازع نیز تبدیل شده و مسئولان و صاحب‌نظران از منظرهای مختلف فرهنگی، اجتماعی و سیاسی در این باره اظهار نظر کرده‌اند. سخنان و مواضع مسئولان و مقامات دولتی و غیردولتی کشور و رسانه‌های فارسی‌زبان داخلی در مورد حجاب، به شکل‌گیری گفتمانی در این زمینه منجر شده است که از زوایای گوناگون قابل بررسی است. یکی از ابعاد قابل بررسی در این گفتمان، کاربرد وسیعی است که استعاره‌ها در شکل‌گیری، ترویج و تقویت آن دارند. مطالعات زبان‌شناسان شناختی طی چهار دهه اخیر پس از ظهور نظریه استعاره مفهومی<sup>۱</sup> (لیکاف<sup>۲</sup> و جانسون<sup>۳</sup>، ۱۹۸۰) نشان داده است که استعاره به عنوان یک فرآیند شناختی اساسی در ذهن انسان، در نظام ادراک، تفکر و استدلال ما نقش ضروری ایفا می‌کند. کووچش<sup>۴</sup> (۲۰۱۰: ۷۳) در این رابطه اشاره می‌کند که استعاره‌ها نه تنها در گفتار روزمره ما، بلکه در طیف وسیعی از واقعیت‌های غیرزبانی زندگی ما انسان‌ها متجلی می‌شوند و در بسیاری از وجوه زندگی اجتماعی، هنری، عقلانی و فرهنگی مان نفوذ کرده‌اند.

در مقوله حجاب نیز که در جامعه ایران دارای ابعاد مهم فکری، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی است، استعاره‌ها ظهور و بروز چشمگیری دارند به طوری که به نظر می‌رسد بخش مهمی از نظام تفکر و استدلال مسئولان سیاسی و فرهنگی کشور در زمینه حجاب حول محور استعاره‌ها می‌چرخد. به عبارت دیگر، گفتمان رایجی که در فضای رسانه‌ای داخل کشور با آن مواجه می‌شویم تا حد زیادی مفهوم حجاب را به کمک استعاره‌ها صورت‌بندی می‌کند و در این فضای گفتمانی استعاره‌ها حضوری پررنگ و تعیین‌کننده دارند. نمونه‌ای از تجلی استعاره‌ها را می‌توان در عناوین کتاب‌های منتشرشده در این حوزه مشاهده کرد، به طوری که شاهدیم بسیاری از کتاب‌هایی که در زمینه حجاب به چاپ رسیده‌اند عناوینی استعاره‌ای دارند، مانند «مروارید در صدف: بانوان و پوشش آن‌ها از دیدگاه اسلام»، «حریم عفاف: حجاب از دیدگاه آیات و روایات»، «حجاب، گوهر وجود»، «آرامش در پرتو حجاب» و «زیر چتر حجاب».

با توجه به اهمیت گفتمان حجاب در فضای عمومی و رسانه‌ای کشور طی سال‌های اخیر و همچنین نظر به نقش محوری استعاره‌ها در تولید و ترویج این گفتمان، پژوهش حاضر این هدف را دنبال می‌کند که استعاره‌های

<sup>۱</sup> Conceptual Metaphor Theory

<sup>۲</sup> G. Lakoff

<sup>۳</sup> M. Johnson

<sup>۴</sup> Z. Kövecses

به کار رفته برای مفهوم‌سازی حجاب را در گفتمان رسانه‌ای داخلی که عمدتاً منعکس‌کننده نظرات و مواضع مسئولان سیاسی و فرهنگی کشور است، بررسی نماید و مشخص سازد که این استعاره‌ها کدامند و چه نقشی در ایجاد و ترویج این گفتمان رایج پیرامون موضوع حجاب دارند. برای این منظور، پرسش‌های اصلی پژوهش به این صورت بیان می‌شوند که ۱. در گفتمان رسانه‌ای داخل کشور مفهوم‌سازی استعاری حجاب به چه صورتی است و ۲. استفاده از استعاره‌های حجاب در فضای گفتمانی داخل کشور بیش‌تر معطوف به کدام یک از کارکردهای استعاره است؟

## ۲. پیشینه پژوهش

بحث پیرامون حجاب به عنوان یکی از مفاهیم و موضوعات اساسی در جهان‌بینی اسلامی و آموزه‌های قرآنی تا کنون از منظر زبان‌شناسی چندان مورد توجه قرار نگرفته است. اگرچه مطالعاتی با رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی و جامعه‌شناختی درباره حجاب صورت گرفته است (مانند بشیر، ۱۳۹۰؛ جاودانی‌مقدم، ۱۳۹۸)، اما نحوه مفهوم‌سازی آن در متون مختلف به ندرت مورد کندوکاو قرار گرفته است به گونه‌ای که در این رابطه تنها می‌توان به مقاله رضاپور و یغمایی (۱۳۹۵) اشاره کرد. رضاپور و یغمایی (۱۳۹۵) با هدف بررسی نقش فرهنگ در ساخت و گزینش استعاره‌های مفهومی، به بررسی استعاره‌های مفهومی مرتبط با حجاب در چند کتاب منتشرشده در این زمینه پرداخته‌اند. کتاب‌هایی که در این پژوهش بررسی شده‌اند عبارتند از «حجاب از دیدگاه قرآن و سنت»، «حجاب و نقش آن در سلامت روان»، «حجاب: مسئولیت‌ها و اختیارات دولت اسلامی» و «راه‌های تقویت فرهنگ حجاب» که از مطالب موجود در آن‌ها هفتاد مورد استعاره مفهومی استخراج شده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که حوزه مفهومی «گیاهان» پربسامدترین حوزه مبدأ استعاری برای مفهوم‌سازی حجاب در گفتمان فرهنگی فارسی است. علاوه بر این، حوزه‌های مفهومی دیگری نظیر حفاظ، امنیت، ارزش، حریم، مانع و سنگر نیز شناسایی شده‌اند. رضاپور و یغمایی (۱۳۹۵) در نهایت نتیجه گرفته‌اند که مذهب به عنوان یکی از مؤلفه‌ها و ابعاد فرهنگ، در تولید و استفاده از این استعاره‌ها نقش اساسی دارد و انگیزه اصلی کاربرد این استعاره‌ها از سوی تولیدکنندگان متون تبعیت از جهان‌بینی اسلامی و آموزه‌های دینی است.

بشیر (۱۳۹۰) با استفاده از روش تحلیل گفتمان، به بررسی گفتمان برخی از رسانه‌های غربی در مورد مقوله حجاب اسلامی پرداخته است. وی بر این عقیده است که مقوله حجاب به عنوان یکی از بارزترین نشانه‌های هویت اسلامی، در غرب به مثابه یکی از عناصر اصلی تفاوت فرهنگی بین مسلمانان و جوامع غربی مطرح می‌شود و نگاه رایج در دنیای غرب، ریشه در نگاه کلان آن‌ها به اسلام و مسلمانان دارد که آن‌ها را با مفاهیمی همچون خشونت، تعصب، عقب‌ماندگی و استبداد همراه می‌دانند. نتایج کلی پژوهش نشان می‌دهد که در محورهای گفتمانی رسانه‌های غربی در رابطه با بحث حجاب، دال‌های مهمی از قبیل مغایرت حجاب با مدرنیته؛ غیریت‌سازی آن از

لحاظ حقوقی، فرهنگی و اعتقادی؛ خطرناک بودن پوشش و سبک زندگی مسلمانان و به‌ویژه زنان در جوامع غربی؛ اسلام‌هراسی؛ بی‌توجهی اکثر مسلمانان به حجاب به دلیل ضدیت آن با معیارهای فرهنگ غربی را می‌توان یافت.

جاودانی‌مقدم (۱۳۹۸) با اتخاذ رویکرد تحلیل گفتمانی، سیر تطور گفتمان حجاب را در فضای سیاسی و فرهنگی ایران بررسی می‌کند. وی الگوی پوشش زنان را در ارتباط با بافت‌های کلان جامعه، تاریخ، فرهنگ، ایدئولوژی و قدرت دانسته و بر این اساس، سیر تحول آن را از دوره‌ی صفویه تا به امروز، یعنی دوره‌ی پس از انقلاب اسلامی، توصیف کرده است. جاودانی‌مقدم اشاره می‌کند که از سال ۱۳۶۲ کشور با پدیده‌ای به نام بدحجابی مواجه شد که ریشه‌ی آن را باید تلاش گروه‌های فمینیستی ایرانیان خارج از کشور دانست که تلاش می‌کردند مباحث فرهنگی و رفتاری خود را وارد کشور کنند. این موضوع در دو دوره‌ی سازندگی و اصلاحات نیز به نوعی ادامه پیدا کرد و زمینه‌ی ظهور فعالیت گشت ارشاد و بحث‌های موافقان و مخالفان حجاب اجباری را فراهم آورد. در سال‌های اخیر و با ظهور و رشد شبکه‌های اجتماعی این شکاف و تعارض میان دو گفتمان حجاب و بی‌حجابی در کشور عمیق‌تر و گسترده‌تر شده است.

توجه به مطالعات حوزه‌ی استعاره و گفتمان در سال‌های اخیر در بین پژوهشگران ایرانی رو به رشد بوده و در این خط پژوهشی، نقش استعاره در تولید و ترویج گفتمان‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و غیره بررسی شده است. از جمله این پژوهش‌ها طی حدود یک دهه‌ی اخیر می‌توان به آیین‌وند (۱۳۹۰)، ترابی (۱۳۹۲)، سلطانی و فاضلی (۱۳۹۴)، مشیری (۱۳۹۶) و نورمحمدی و دبیرمقدم (۱۳۹۸) اشاره کرد. در یکی از مطالعات اخیر، غفوری صالح و کاظمی (۱۴۰۰) به بررسی استعاره‌های مفهومی در سخنرانی‌های برخی از اعضای اصلی دولت تدبیر و امید شامل روحانی، جهانگیری و ظریف پرداخته‌اند تا نشان دهند که تجلی استعاره‌ها در کلام این مقامات سیاسی به چه صورتی بوده و آن‌ها چگونه از استعاره‌ها در جهت سازمان‌دهی واقعیت‌های سیاسی استفاده کرده‌اند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که حوزه‌های مفهومی سفر، ورزش، جنگ، انسان و حیوانات، ساختمان و پدیده‌های طبیعی از جمله مهم‌ترین حوزه‌های مفهومی در استعاره‌های به کار رفته در گفتار این دولت‌مردان بوده است تا از طریق آن‌ها نگرش‌ها و پیام‌های سیاسی خود را صورت‌بندی کنند، احساسات مخاطبان خود را برانگیزند و آن‌ها را نسبت به پذیرش باورهای خود اقناع سازند.

انصاریان (۱۴۰۱) نیز از جمله پژوهش‌های اخیر است که تلاش کرده است با رویکرد شناختی، نقش استعاره را در گفتمان دولت روحانی و جناح مخالف او حول محور برجام بررسی نماید. وی با تحلیل تعدادی از کارتون‌های سیاسی منتشرشده در سال‌های ۱۳۹۷ تا ۱۳۹۹ درباره‌ی برجام و موضوعات پیرامون آن در چند خبرگزاری داخلی نتیجه گرفته است که این خبرگزاری‌ها توافق برجام را به کمک حوزه‌های مفهومی مختلفی مانند عمل جراحی، مرگ، درخت/باغ، زندان، بالون و بادکنک مفهوم‌سازی کرده‌اند و با استفاده از استعاره‌های

مفهومی متعدد تلاش کرده‌اند برجام و موضوعات ذیل آن را از جنبه‌های مختلف نقد کنند. این خبرگزاری‌ها با توسل به قدرت استدلالی و عاطفی استعاره‌ها، جناح سیاسی رقیب که دولت را در دست داشته است، به عنوان «غیر» تصویری منفی، نامطلوب، ناکارآمد و ضد منافع ملی نشان داده‌اند و در مقابل، از «خود» تصویری مثبت، مطلوب و حافظ منافع ملی ارائه کرده‌اند.

نقش استعاره‌ها در گفتمان‌های مختلف و به خصوص گفتمان‌های سیاسی از حدود سه دهه پیش مورد توجه زبان‌شناسان شناختی بوده است. پژوهش لیکاف (۱۹۹۱) درباره‌ی نقش استعاره‌ها در گفتمان مقامات دولت آمریکا درباره‌ی جنگ عراق و کویت یکی از اولین و مهم‌ترین پژوهش‌ها در این حوزه محسوب می‌شود. مقاله‌ی شیلتون<sup>۱</sup> و لیکاف (۱۹۹۵) نیز یکی از آثار مهمی است که در آن تعدادی از استعاره‌های موجود در گفتمان سیاست خارجی آمریکا بررسی شده است. از دیگر پژوهش‌های تأثیرگذار در مورد استعاره و تحلیل انتقادی گفتمان می‌توان به کتاب چارتریس-بلک<sup>۲</sup> (۲۰۰۴) با عنوان *رویکردهای پیکره‌ای به تحلیل انتقادی استعاره*<sup>۳</sup> اشاره کرد. در این کتاب ۵۱ سخنرانی از رؤسای جمهور آمریکا در یک دوره‌ی زمانی ۲۰۰ ساله تحلیل شد تا مشخص شود که رؤسای جمهور چگونه از استعاره‌ها برای بیان پنهانی ایدئولوژی‌های سیاسی خود استفاده کرده‌اند. انتشار کتاب هارت<sup>۴</sup> (۲۰۱۰) نیز گامی مهم در جهت ایجاد رابطه‌ی بین مطالعات استعاره و تحلیل انتقادی گفتمان قلمداد می‌شود که در آن به بررسی نقش استعاره‌ها در گفتمان مهاجرت در مطبوعات کشور انگلستان پرداخته شده است. از دیگر آثار مهم در این زمینه می‌توان به سمینو<sup>۵</sup> (۲۰۰۸) و موسلف<sup>۶</sup> (۲۰۱۶) اشاره کرد.

### ۳. مبانی نظری پژوهش

نظریه‌ی استعاره‌ی مفهومی یکی از مهم‌ترین نظریه‌های مطرح‌شده در چارچوب زبان‌شناسی شناختی است که ابتدا توسط لیکاف جانسون (۱۹۸۰) ارائه شد. این نظریه از بدو ظهور تا به امروز در حوزه‌های مطالعاتی و تحقیقاتی مختلفی مورد استفاده‌ی پژوهشگران قرار گرفته است که از آن جمله می‌توان به حوزه‌های مطالعات ادبی، تحلیل گفتمان، روان‌شناسی شناختی و آموزش اشاره کرد (ژانگ<sup>۷</sup>، ۲۰۲۱). نظریه‌ی استعاره‌ی مفهومی به بحث و بررسی درباره‌ی این موضوع می‌پردازد که استعاره‌ها چه ماهیتی دارند، در ذهن انسان به چه صورتی کار می‌کنند و چگونه می‌توان آن‌ها را در زبان روزمره تحلیل کرد. بر اساس این نظریه، استعاره‌ها ماهیتی شناختی و مفهومی دارند و در نتیجه در نظام تفکر و استدلال ما نقشی اساسی را ایفا می‌کنند. لیکاف و جانسون (۱۹۸۰) بر این

<sup>1</sup> P. Chilton

<sup>2</sup> J. Charteris-Black

<sup>3</sup> Corpus Approach to Critical Metaphor Analysis

<sup>4</sup> C. Hart

<sup>5</sup> E. Semino

<sup>6</sup> A. Musolff

<sup>7</sup> X. Zhang

عقیده‌اند که عبارات استعاری که بر زبان جاری می‌شوند صرفاً باز نمود زبانی استعاره‌های مفهومی هستند. بنابراین، یکی از راه‌های تشخیص و تحلیل استعاره‌های مفهومی این است که استعاره‌های زبانی موجود در متون مختلف (اعم از مکتوب و شفاهی) بررسی شوند.

بر اساس این نظریه، استعاره‌های واژگانی<sup>۱</sup> که آن‌ها را استعاره‌های زبانی یا عبارت‌های استعاری نیز می‌نامند و در کاربردهای روزمره زبان مشاهده می‌شوند دلالت بر وجود استعاره‌های مفهومی زیربنایی دارند. این استعاره‌ها شنونده یا خواننده را قادر می‌سازند تا مفاهیم انتزاعی‌تر، مانند زندگی و عشق، را به واسطه مفاهیم ملموس‌تر و تجربه‌پذیرتر، مانند سفر، جنگ، تجربه و درک کنند (ریچی<sup>۲</sup>، ۲۰۲۲: ۲۴۰). بر این اساس، لیکاف و جانسون (۱۹۸۰) استعاره مفهومی را درک یک حوزه مفهومی به واسطه حوزه‌ای دیگر تعریف کرده‌اند. کووچش (۲۰۱۸: ۱۲۵) نیز استعاره مفهومی را شامل مجموعه‌ای از تناظرها یا نگاشت‌های مفهومی<sup>۳</sup> نظام‌مند می‌داند که بین دو حوزه از تجربه شکل می‌گیرد. با توجه به این تعاریف، هر استعاره متشکل از سه مؤلفه است: حوزه مبدأ<sup>۴</sup>، حوزه مقصد<sup>۵</sup>، نگاشت مفهومی. حوزه مبدأ به آن حوزه‌ای گفته می‌شود که استعاره براساس آن شکل می‌گیرد و از آن برای درک حوزه دیگر، که حوزه مقصد نام دارد، استفاده می‌شود. نگاشت مفهومی عبارت است از تناظرها یا انطباق‌هایی که بین جنبه‌ها یا مؤلفه‌های مختلف حوزه‌های مبدأ و مقصد برقرار می‌شود. برای مثال، اگر عبارت «رابطه ما به بن بست رسیده است» را یک عبارت استعاری (استعاره زبانی / واژگانی) در نظر بگیریم، مشاهده می‌کنیم که مفهوم عشق براساس مفهوم سفر بیان شده است و در این بیان استعاری، بین مفهوم «بن بست» از حوزه سفر و مفهوم «پایان رابطه» از حوزه عشق نگاشت برقرار شده است. بنابراین، استعاره مفهومی ناظر بر آن را به شکل «عشق، سفر است» نشان می‌دهیم.

چارتریس-بلک<sup>۶</sup> (۲۰۰۴) در کنار مفاهیم استعاره زبانی و استعاره مفهومی، مفهوم دیگری با عنوان «کلید مفهومی»<sup>۷</sup> را معرفی می‌کند. کلید مفهومی حاصل تعمیم تعدادی استعاره مفهومی است و از مجموع چند استعاره مفهومی استنباط می‌شود. به عبارتی دیگر، کلید مفهومی یک استعاره سطح بالاتر است که رابطه میان چند استعاره مفهومی را بیان می‌کند. برای مثال، در عالم سیاست معمولاً ملت‌ها یا کشورها را به عنوان شخص مفهوم‌سازی می‌کنند. در این رابطه با استعاره‌های مفهومی از قبیل «آمریکا، یک شخص است» و «ایران، یک شخص است» مواجه می‌شویم. از آن‌جا که هر یک از ملت‌ها و کشورها را می‌توان به طور استعاری یک شخص

<sup>1</sup> lexical metaphors

<sup>2</sup> P. Ritchie

<sup>3</sup> conceptual mapping

<sup>4</sup> source domain

<sup>5</sup> target domain

<sup>6</sup> J. Charteris-Black

<sup>7</sup> conceptual key

در نظر گرفت، می‌توان یک کلید مفهومی سطح بالاتر را استنباط و آن را به صورت «ملت (با کشور)، شخص است» بیان کرد (چارتریس-بلک، ۲۰۰۴: ۱۶).

در سال‌های اخیر حوزه مطالعاتی جدیدی با عنوان تحلیل انتقادی استعاره<sup>۱</sup> شکل گرفته است که نقطه اتصال میان دو رویکرد زبان‌شناسی شناختی و تحلیل انتقادی گفتمان<sup>۲</sup> به حساب می‌آید. در این حوزه مطالعاتی به تحلیل جنبه‌های گفتمانی استعاره، یعنی نقش استعاره‌ها در منازعات گفتمانی، القای ایدئولوژی و رسیدن به اهداف گفتمانی خاص پرداخته می‌شود. طبق نظر اونگرر<sup>۳</sup> و اشمید<sup>۴</sup> (۲۰۰۶: ۱۵۰)، استعاره بخش لاینفکی از گفتمان سیاسی است و از آن‌جا که هدف اصلی گفتمان سیاسی آن است که با دخل و تصرف در افکار عمومی، مخاطبان خود را اقناع سازد، تأثیر عاطفی استعاره‌ها در این گفتمان از اهمیت خاصی برخوردار است. تأثیر استعاره‌ها بر تحریک عواطف و احساسات مخاطبان را کارکرد عاطفی استعاره می‌نامند. استعاره‌ها علاوه بر کارکرد عاطفی، کارکرد مهم دیگری با عنوان کارکرد استدلالی نیز دارند که از طرف بسیاری از پژوهشگران حوزه استعاره (مانند چارتریس-بلک، ۲۰۰۴، ۲۰۱۱؛ موسلف<sup>۵</sup>، ۲۰۰۴، ۲۰۱۲؛ تیودیو<sup>۶</sup> و برودیتسکی<sup>۷</sup>، ۲۰۱۱) مورد توجه قرار گرفته است. موسلف (۲۰۰۴: ۳۴) در این رابطه اشاره می‌کند که یکی از موارد استفاده استعاره‌ها در گفتمان، کاربرد آن‌ها برای استدلال قیاسی<sup>۸</sup> است. منظور از استدلال قیاسی این است که میان حوزه مبدأ و مقصد استعاره نوعی مقایسه صورت می‌گیرد. یعنی براساس رابطه‌ای که میان دو یا چند مؤلفه از حوزه مبدأ استعاره وجود دارد، درباره رابطه بین مؤلفه‌های حوزه مقصد استدلال انجام می‌شود. کارکردهای عاطفی و استدلالی استعاره‌ها که در حوزه تحلیل گفتمان انتقادی مطرح می‌شود، علاوه بر کارکرد شناختی استعاره‌ها است (یعنی درک یک مفهوم براساس مفهوم دیگر) که در نظریه استعاره مفهومی (لیکاف و جانسون، ۱۹۸۰) مطرح شده است.

### ۳-۱. روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی است که در چارچوب زبان‌شناسی شناختی و براساس دو نظریه استعاره مفهومی (لیکاف و جانسون، ۱۹۸۰؛ لیکاف، ۱۹۹۳) و تحلیل انتقادی استعاره (چارتریس-بلک، ۲۰۰۴، ۲۰۱۱؛ موسلف، ۲۰۱۲) صورت گرفته است. داده‌های پژوهش شامل عبارات و جملات استعاری مرتبط با موضوع حجاب است که از متون رسانه‌ای داخل کشور استخراج شده‌اند. برای این منظور، اخبار مرتبط با حجاب که طی دوره زمانی یک‌ساله از ابتدای تیرماه ۱۴۰۱ تا انتهای خردادماه ۱۴۰۲ در خبرگزاری‌های فارس، مشرق‌نیوز، مهر،

<sup>1</sup> critical metaphor analysis

<sup>2</sup> critical discourse analysis

<sup>3</sup> F. Ungerer

<sup>4</sup> H. J. Schmid

<sup>5</sup> A. Musolff

<sup>6</sup> P. H. Thibodeau

<sup>7</sup> L. Boroditsky

<sup>8</sup> Analogical reasoning

تسنیم، باشگاه خبرنگاران جوان و نیز پایگاه اینترنتی خبرآنلاین منتشر شده‌اند، به روش جستجوی کلیدواژه کاوش و مطالعه شده‌اند. کلیدواژه‌های جستجو شده شامل حجاب، عفاف، بی‌حجابی، بدحجابی و برهنگی بوده‌اند و در مجموع، از میان تمامی رخدادهای کلیدواژه‌های یادشده در متون خبری این رسانه‌ها، تعداد ۱۴۳ عبارت استعاری استخراج شده است که ۱۱۲ مورد از آن‌ها برای مفهوم‌سازی حجاب و ۳۱ مورد برای مفهوم‌سازی بی‌حجابی/ بدحجابی به کار رفته‌اند. لازم به ذکر است که برای استخراج عبارات استعاری از روش MIPVU (استین<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۱۰) استفاده شده است که روشی نظام‌مند برای شناسایی استعاره‌ها در سطح واژگان زبانی است. استفاده از این روش شامل مراحل زیر است:

۱. بررسی واژه به واژه متن و یافتن واژه‌های مرتبط با استعاره؛
۲. اگر واژه‌ای به طور غیرمستقیم به کار رفته باشد و کاربرد آن شامل نگاشت بیناحوزه‌ای<sup>۲</sup> از معنایی اساسی‌تر باشد، باید آن را عبارتی استعاری در نظر گرفت؛
۳. اگر واژه‌ای به صورت مستقیم به کار رفته باشد اما کاربرد آن را بتوان براساس نگاشت بیناحوزه‌ای به مرجع یا موضوعی دیگر توضیح داد، باید آن را استعاره مستقیم در نظر گرفت؛
۴. اگر واژه‌ای به جای واژه دیگر به کار رفته باشد (مثلاً استفاده از ضمائر شخصی) یا حذف صورت گرفته باشد (مثلاً حذف واژگانی در ساخت‌های هم‌پایه) و معنای مستقیم یا غیرمستقیم آن جانشینی یا حذف را بتوان براساس نگاشت بیناحوزه‌ای توضیح داد، باید آن را استعاره ضمنی در نظر گرفت؛
۵. اگر واژه‌ای علامت‌دهنده نگاشت بیناحوزه‌ای احتمالی باشد، باید آن را علامت استعاره<sup>۳</sup> در نظر گرفت.

روش تحلیل داده‌ها به این صورت است که پس از شناسایی استعاره‌های زبانی موجود در متن طبق روال یادشده، استعاره‌های مفهومی و حوزه‌های مبدأ و مقصد آن‌ها بررسی و طبقه‌بندی شده است و سپس کلیدهای مفهومی ناظر بر استعاره‌های مفهومی کشف شده است. در نهایت، با اتخاذ رویکردی شناختی به تحلیل گفتمان انتقادی، کارکردهایی بررسی می‌شوند که این استعاره‌ها در گفتمان حجاب ایفا می‌کنند.

#### ۴. تحلیل داده‌ها

با تحلیل استعاره‌های زبانی که در گفتمان رسانه‌های داخلی برای بیان مفهوم حجاب به کار رفته‌اند، می‌توان به استعاره‌های مفهومی و حوزه‌های مبدأ استعاری آن‌ها پی برد. در مقابل حجاب، مفهوم بی‌حجابی یا بدحجابی (و گاه برهنگی) مطرح می‌شود، که در رسانه‌های داخلی استعاره‌هایی برای بیان آن‌ها نیز به کار رفته است.

<sup>1</sup> G. J. Steen

<sup>2</sup> cross-domain mapping

<sup>3</sup> metaphor flag



بنابراین در ادامه بحث، ابتدا استعاره‌های مرتبط با حجاب و سپس استعاره‌های مرتبط با بی‌حجابی/ بدحجابی براساس حوزه‌های مبدأ طبقه‌بندی و تحلیل و سپس تحلیلی از کارکردهای استعاره در این گفتمان ارائه می‌شوند.

#### ۴-۱. مفهوم‌سازی استعاری حجاب

تحلیل داده‌های پژوهش نشان می‌دهد که در گفتمان رسانه‌های داخلی از حوزه‌های مفهومی مختلفی برای بیان استعاری مفهوم حجاب استفاده شده که حوزه مفهومی «جنگ» یکی از متداول‌ترین آن‌ها است. علاوه بر جنگ، حوزه‌های مفهومی محافظت، ساختمان و بازار نیز کاربرد وسیعی در این مفهوم‌سازی‌ها دارند. در جدول (۱) بسامد کاربرد حوزه‌های مبدأ استعاری در مفهوم‌سازی حجاب ارائه شده است.

جدول ۱.

فراوانی و درصد حوزه‌های مبدأ استعاری برای بیان مفهوم حجاب

حوزه مبدأ	فراوانی	درصد
جنگ	۵۵ مورد	۴۹ درصد
محافظت	۳۸ مورد	۳۴ درصد
پرچم	۹ مورد	۸ درصد
بازار	۶ مورد	۵ درصد
ساختمان	۴ مورد	۴ درصد
مجموع	۱۱۲ مورد	

#### ۴-۱-۱. حوزه مفهومی جنگ

حوزه مفهومی «جنگ» به دلیل غنای مفهومی جزء پرکاربردترین حوزه‌های مفهومی استعاری است و همان‌طور که فلاسبرگ<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۱۸) اشاره کرده‌اند، در همه گفتمان‌ها از سیاست گرفته تا سلامت و ورزش و تغذیه و مواد مخدر کاربردی وسیع دارد. با تحلیل و بررسی داده‌های پژوهش مشخص شد که حوزه مفهومی جنگ نقشی مهم و قابل توجه در مفهوم‌سازی حجاب دارد (با فراوانی ۵۵ مورد، معادل ۴۹ درصد از کل استعاره‌ها). مثال‌هایی از استعاره‌های زبانی مبتنی بر این حوزه مفهومی در ادامه ارائه می‌شوند.

۱. اهمیت «جبهه حجاب» در انقلاب اسلامی شبیه «تنگه غزوه کوه احد» است. برخی نهادها، «تنگه حجاب» را رها کردند و جمهوری اسلامی «محاصره شده» (خبرآنلاین، ۱۴۰۲/۱/۲۰).
۲. دشمن حجاب را هدف گرفته و خط مقدم جنگ در دست بانوان است. جنگی الان جاری است که خط مقدمش دست خانم‌ها است (مشرق نیوز، ۱۴۰۱/۹/۲۹).
۳. حجاب خط مقدم مسائل فرهنگی است (فارس، ۱۴۰۲/۳/۱۷).

<sup>1</sup> S. J. Flusberg

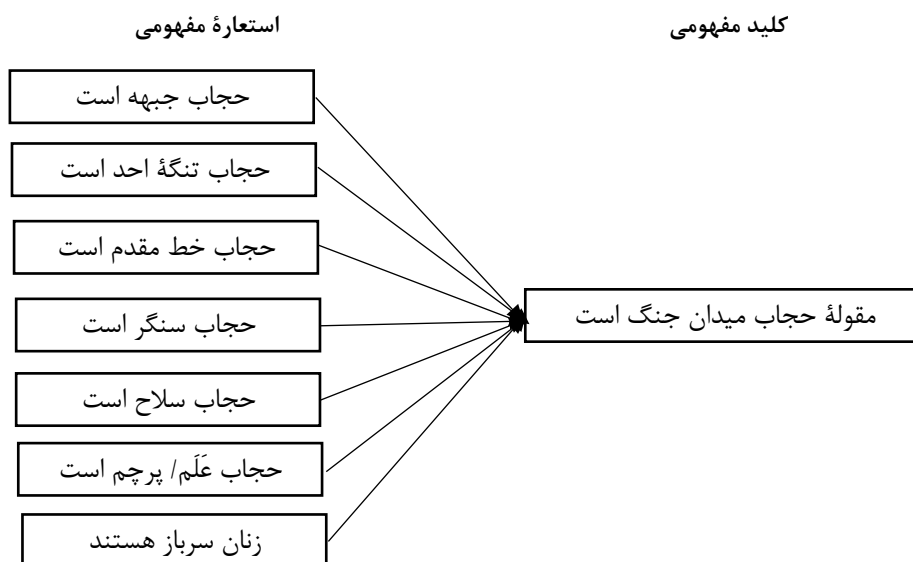
۴. در این تقابل و به تعبیری تهاجم و جنگ فرهنگی که افتادن هر روسری و حجاب از سر دختران و بانوان ایرانی به عنوان افتادن علم و پرچم یک سرباز و میدان‌دار تلقی می‌شود، انتظار از دختران و بانوان این سرزمین آگاه بودن به فلسفه این تقابل و تفکر در خصوص نیت پلید جبهه دشمن است (مشرق‌نیوز، ۱۴۰۱/۱۰/۱۹).

۵. در میدان اجتماع و هم در فضای سایبر، یک جبهه کنشگر تمام عیار را در راستای فتح سنگر حجاب می‌بینیم؛ اما این جبهه برای این نبرد، جنگ شناختی را به کار بسته تا به اهداف خود دست یابد (مهر، ۱۴۰۲/۲/۷).

۶. عفاف و حجاب سلاح بزرگ در مقابل توطئه‌های دشمن (باشگاه خبرنگاران جوان، ۱۴۰۱/۱۰/۱۷).

۷. حجاب سلاح برنده زنان است (فارس، ۱۴۰۲/۲/۲۵).

کاربرد اسم‌هایی که دلالت بر جنبه‌ای از مفهوم جنگ دارند از قبیل تهاجم، جنگ، سرباز، میدان‌دار، جبهه، سنگر، سلاح، خط مقدم، دشمن و پرچم در کنار کاربرد افعالی مانند محاصره‌شدن، فتح‌شدن و هدف‌گرفتن حاکی از این واقعیت است که مقوله حجاب در گفتمان مسئولان سیاسی و فرهنگی و همچنین رسانه‌های داخلی به مثابه عرصه جنگ تلقی می‌شود. تنوع استعاره‌های مفهومی مبتنی بر حوزه جنگ بسیار چشم‌گیر است و همان‌طور که در شکل (۱) مشاهده می‌شود، جنبه‌ها و مؤلفه‌های مختلف این حوزه مفهومی برای بیان استعاری حجاب به کار گرفته می‌شوند. در ستون سمت چپ این شکل، استعاره‌های مفهومی مبتنی بر حوزه جنگ مشاهده می‌شوند و در ستون سمت راست کلید مفهومی ناظر بر این استعاره‌های مفهومی دیده می‌شوند که نوعی تعمیم از آن استعاره‌ها است و همگی آن‌ها را در بر می‌گیرد.



شکل ۱. استعاره‌های مفهومی مبتنی بر حوزه مفهومی جنگ

با توجه به شکل (۱)، همه استعاره‌های مفهومی مبتنی بر حوزه جنگ را می‌توان ذیل عنوان یک کلید مفهومی کلی قرار داد و آن عبارت است از «مقوله حجاب میدان جنگ است». مفهوم جنگ بیانگر نبرد بین حداقل دو جبهه مخالف است که هر یک از آن‌ها سعی بر آن دارد تا به طرف مقابل ضربه بزند. در استعاره‌های حجاب، لفظ دشمن غالباً بر آمریکا و کشورهای غربی دلالت دارد که به انحاء مختلف می‌کوشند حجاب را در جامعه ایران کم‌رنگ کنند.

استعاره‌ها ما را قادر می‌سازند که واقعیت را از منظر و زاویه خاصی ببینیم (چارتیس-بلک، ۲۰۰۴: ۲۸). یکی از پیامدهای مهم مفهوم‌سازی حجاب براساس حوزه جنگ این است که از منظر تولیدکنندگان گفتمان حجاب، همان‌طور که در میدان جنگ باید در برابر توطئه‌ها و نقشه‌های دشمن هشیار بود و از هر وسیله‌ای برای خنثی‌سازی حربه‌های او استفاده کرد، در عرصه حجاب نیز باید با هوشیاری و ابتکار عمل تلاش شود که برنامه‌های دشمن خنثی گردد.

#### ۴-۱-۲. حوزه مفهومی محافظت

حوزه مفهومی «محافظت» دلالت بر مفاهیمی دارد که به نوعی ایجاد حفاظت و بازدارندگی می‌کنند و در مقابل خطرات یا صدمات خارجی سد و مانعی به وجود می‌آورند. این حوزه مفهومی بیانگر وضعیتی است که در آن دو نیرو با یکدیگر در تقابل قرار می‌گیرند و نیروی مدافع در مقابل نیروی مهاجم مانعی برای نفوذ قرار می‌دهد. در گفتمان حجاب، استعاره‌های مبتنی بر حوزه مفهومی «محافظت» نقش قابل توجهی دارند (با فراوانی ۳۸ مورد، معادل ۳۴ درصد از کل استعاره‌ها) که مثال‌هایی از آن در ادامه بیان می‌شوند.

۸. حجاب از نعمات است و سد محکمی در برابر حمله‌ها و وسوسه‌های شیطانی است (خبرآنلاین، ۱۴۰۲/۱/۲۰).

۹. حجاب سد اولی است که در دیدگاه پست‌مدرن تلاش می‌شود تا شکسته شود (مهر، ۱۴۰۱/۸/۱۱).

۱۰. حجاب دژ محکمی است که زنان با پناه‌بردن به این پناهگاه مستحکم می‌توانند از حقوق و ارزش‌های خود دفاع کنند (۱۴۰۲/۱/۳۱).

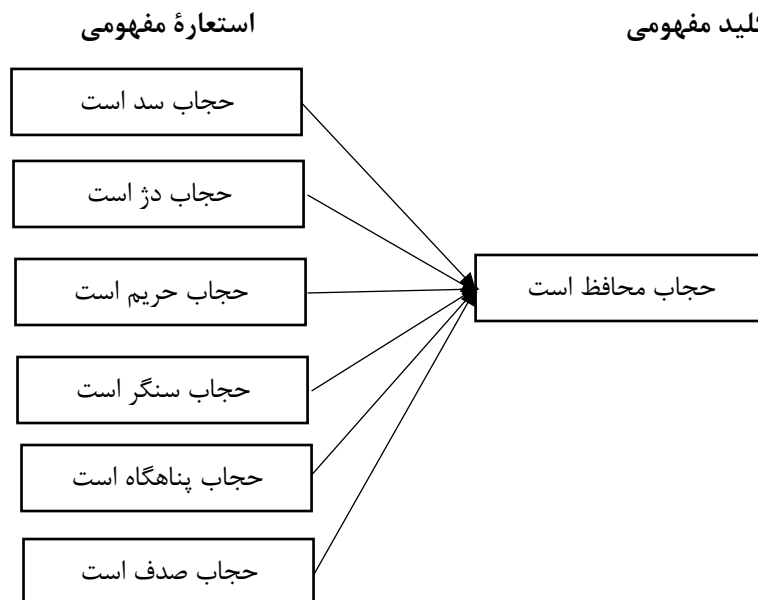
۱۱. حجاب حریمی برای حفاظت از زن است (تسنیم، ۱۴۰۱/۹/۲).

۱۲. حجاب صدف است که از گوهر وجودی زن محافظت می‌کند (فارس، ۱۴۰۲/۴/۷).

۱۳. حجاب و عفاف را سنگر و پناهگاه آرامش خود کرده‌اند (مشرق‌نیوز، ۱۴۰۱/۱۰/۱۹).

همان‌طور که در این مثال‌ها دیده می‌شود، برای بیان مفهوم حجاب از الفاظ و عبارات متنوعی از قبیل سد، دژ، پناهگاه، حریم، صدف و سنگر استفاده شده است که تمامی آن‌ها جزء حوزه مفهومی «محافظت» به حساب می‌آیند. در بعضی از استعاره‌های مبتنی بر مفهوم سد/مانع، حجاب به عنوان سدی در برابر شیطان مفهوم‌سازی می‌شود، در حالی که در برخی دیگر از آن‌ها حجاب سدی در برابر نفوذ دشمنان به حساب می‌آید. بنابراین، بعضی

از استعاره‌های مبتنی بر این حوزه محافظت با استعاره‌های مبتنی بر حوزه جنگ که پیش‌تر بررسی شدند، ارتباط دارند. در شکل (۲) استعاره‌های مفهومی این حوزه و همچنین کلید مفهومی ناظر بر آن نشان داده می‌شود.



شکل ۲. استعاره‌های مفهومی مبتنی بر حوزه مفهومی محافظت

همان‌طور که در شکل (۲) دیده می‌شود، در گفت‌مان مورد نظر، حجاب به عنوان یک محافظ در نظر گرفته می‌شود که زنان را از توطئه‌ها و تهدیدهایی محافظت می‌کند که متوجه آن‌ها می‌شود. کلید مفهومی «حجاب، محافظ است» از قدرت استدلالی بالایی برخوردار است چرا که با طرح این استدلال که حجاب نقش محافظتی و مصونیت‌ساز برای زن دارد، مخاطب را اقناع می‌کند که اگر زن حجاب خود را رعایت کند به نفع خود اوست و در واقع خود را از تهدیدها ایمن و مصون داشته است. در مقابل، اگر در حفظ حجاب کوتاهی کند ممکن است با انواع خطرها و آسیب‌ها مواجه شود.

#### ۳-۱-۴ پرچم

یکی دیگر از مفاهیم مبدئی که برای بیان استعاری حجاب به کار می‌رود مفهوم پرچم است (با فراوانی ۹ مورد، معادل ۸ درصد از کل استعاره‌ها) که در مثال‌هایی با الفاظ «پرچم» و «بیرق» بیان شده است.

۱۴. حجاب در جامعه اسلامی یک پرچم برافراشته است که دشمن با تمام توان قصد دارد آن را زمین بیندازد (فارس، ۱۴۰۲/۱/۱۵).

۱۵. حجاب، پرچم اسلام است (فارس، ۱۴۰۱/۴/۲۱).

۱۶. بیرق حجاب و عفاف در اهتزاز است (فارس، ۱۴۰۱/۹/۱۳).

در مثال ۱۴ علاوه بر مفهوم پرچم، از حوزه مفهومی جنگ نیز استفاده استعاری صورت گرفته که تجلی آن را در لفظ «دشمن» می‌بینیم. مفهوم پرچم اگر در ارتباط با میدان جنگ به کار گرفته شود (مانند مثال ۱۴) جزئی از حوزه مفهومی جنگ به شمار می‌رود که نمونه‌ای از آن را در مباحث قبل تحلیل شد. اما در مثال‌های ۱۵ و ۱۶، مفهوم پرچم و بیرق به‌طور مستقل به کار رفته‌اند و در نتیجه دلالت بر وجود استعاره مفهومی «حجاب، پرچم (اسلام یا جامعه اسلامی) است» دارند.

#### ۴-۱-۴. حوزه مفهومی بازار

یکی دیگر از حوزه‌های مفهومی مورد استفاده برای بیان حجاب حوزه مفهومی بازار است (با فراوانی ۶ مورد، معادل ۵ درصد از کل استعاره‌ها) که تجلی آن در مثال‌های (۱۷) تا (۱۹) می‌توان دید.

۱۷. حجاب ویتترین جامعه اسلامی است (مهر، ۱۴۰۲/۱/۲۰).

۱۸. حجاب ویتترین اسلام است (مهر، ۱۴۰۲/۱/۱۹).

۱۹. حجاب ویتترین اسلامیت مردم ما است (خبرآنلاین، ۱۴۰۲/۱/۲۲).

در سه مثال (۱۷) تا (۱۹) از مفهوم «ویتترین» برای بیان استعاری حجاب استفاده شده که استعاره مفهومی «حجاب، ویتترین جامعه است» را متجلی ساخته است. ویتترین مفهومی است که در حوزه مفهومی بازار مطرح می‌شود و منظور از این استعاره مفهومی این است که همان‌طور که ویتترین یک مغازه جلوه بیرونی و نشان‌دهنده محتویات آن است، حجاب نیز جلوه بیرونی جامعه اسلامی است و نشان از عقاید و منش اسلامی فرد و جامعه دارد.

#### ۴-۱-۵. حوزه مفهومی ساختمان

حوزه مفهومی ساختمان یکی از حوزه‌های مبدأ استعاری است که ارتباط مستقیمی با تجربیات روزمره انسان دارد. انسان‌ها برای تهیه سرپناه، محل کار، محل ذخیره‌سازی و غیره اقدام به ساختن خانه و دیگر بناها می‌کنند. در نتیجه این تجربیات ملموس، هم اجزاء و عناصر مختلف ساختمان و هم فرایند ساخت‌وساز آن وارد مفهوم‌سازی استعاری و به عنوان حوزه مبدأ استفاده می‌شوند (کووچش، ۲۰۱۰: ۱۹). در گفتمان حجاب نیز مواردی از استعاره‌های مبتنی بر حوزه مفهومی ساختمان دیده می‌شوند (با فراوانی ۴ مورد، معادل ۴ درصد از کل استعاره‌ها).

۲۰. حجاب یکی از ستون‌های مهم و اصول عملی جامعه اسلامی است (فارس، ۱۴۰۲/۱/۱۳).

۲۱. ویتترین جامعه اسلامی حجاب است و دشمنان آن را مورد هدف قرار داده و پایه‌های جامعه را

مورد هجمه قرار دادند (مهر، ۱۴۰۲/۳/۱۱).

در مثال (۲۰)، حجاب به مثابه ستون جامعه اسلامی در نظر گرفته شده است و بنابراین، خود جامعه به مثابه یک ساختمان فرض شده است که حجاب یکی از ستون‌های آن است. در مثال (۲۱)، از لفظ «پایه» برای

بیان حجاب استفاده شده و در این‌جا نیز جامعه به مثابه ساختمان مفهوم‌سازی شده است. بنابراین، استعاره مفهومی زیربنایی را می‌توان به شکل «حجاب ستون/ پایه جامعه است» در نظر گرفت. لازم به ذکر است که در مثال دوم علاوه بر استعاره مفهومی یادشده، از استعاره ویتترین نیز استفاده شده است.

#### ۴-۲. مفهوم‌سازی استعاری بی‌حجابی/ بدحجابی

در مقابل حجاب، مفهوم بی‌حجابی یا بدحجابی نیز به کمک استعاره‌ها بیان می‌شود که در ادامه بحث به آن پرداخته می‌شود. حوزه‌های مبدأ به کار رفته برای مفهوم‌سازی این مفاهیم عبارتند از بیماری، جنگ، گیاهان، آتش و بازار که فراوانی و درصد کاربرد آن‌ها در جدول (۲) ارائه شده است.

جدول (۲)

فراوانی و درصد حوزه‌های مبدأ استعاری برای بیان مفهوم بی‌حجابی/ بدحجابی

حوزه مبدأ	فراوانی	درصد
بیماری	۱۱ مورد	۳۵ درصد
جنگ	۱۰ مورد	۳۲ درصد
گیاهان	۵ مورد	۱۶ درصد
آتش	۳ مورد	۱۰ درصد
بازار	۲ مورد	۷ درصد
مجموع	۳۱ مورد	

#### ۴-۲-۱. حوزه مفهومی بیماری

بیماری (و سلامت) از مهم‌ترین حوزه‌های مبدأ استعاری هستند که کووچش (۲۰۱۰) نیز بر وفور و پراستفاده‌بودن آن تأکید کرده است. به اعتقاد وی، هم ویژگی‌ها و شرایط کلی مربوط به وضعیت سلامت یا بیماری و هم نام برخی از بیماری‌های خاص نظیر سرطان به طور وسیع به عنوان حوزه مبدأ استعاره به کار گرفته می‌شوند (کووچش، ۲۰۱۰: ۱۹). نتایج تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که حوزه مفهومی بیماری از جمله پرکاربردترین حوزه‌های مفهومی است که برای بیان استعاری مفاهیم بی‌حجابی و بدحجابی به کار می‌رود (با فراوانی ۱۱ مورد، معادل ۳۵ درصد از کل استعاره‌ها). در مثال‌های (۲۲) تا (۲۵) تجلی این حوزه مفهومی را می‌توان ملاحظه کرد.

۲۲. اگر در مقابل بی‌حجابی و بدپوششی، متولیان آموزش و فرهنگ تکالیف قانونی خود را در سطوح مختلف به‌خوبی انجام می‌دادند ما امروز شاهد این حجم از ولنگاری و بی‌حجابی که یک آفت بزرگ و بیماری بسیار خطرناک علیه بنیان خانواده است نبودیم (مهر، ۱۴۰۲/۲/۱۵).

۲۳. صدا و سیما باید از ظرفیت خود در فرهنگ‌سازی عفاف و حجاب استفاده کند و مثل دوران کرونا که در میدان مقابله با ویروس کرونا بود، در مقابله با ویروس بی‌حجابی و بدحجابی هم باید در میدان باشد (مهر، ۱۴۰۲/۳/۱۲).

۲۴. همه ما باید در این زمینه کمک کنیم و اجازه ندهیم این ویروس خطرناک فرهنگی، بدحجابی و بی‌حجابی دامن جامعه را بگیرد (تسنیم، ۱۴۰۲/۱/۱۲).

۲۵. رواج بی‌حجابی یعنی فساد؛ یعنی کرونای آدم‌کش و جامعه‌نابودکن؛ باید با این کرونای جدید مبارزه جدی انجام داد و آن کرونایی که جامعه اسلامی را به سرعت آلوده می‌کند کرونای بی‌حجابی است (تسنیم، ۱۴۰۲/۱/۶).

در مثال (۲۲)، بی‌حجابی به‌مثابه آفت و بیماری تلقی شده است که بنیان خانواده‌ها را تهدید می‌کند. در مثال‌های بعدی تعبیر مشخص‌تری از این نوع مفهوم‌سازی استعاره‌ی را شاهد هستیم، به طوری که بی‌حجابی یا بدحجابی با الفاظی مانند «ویروس» و «کرونا» توصیف شده‌اند که جامعه را آلوده می‌کنند. بنابراین، در این موارد با استعاره مفهومی «بی‌حجابی / بدحجابی، ویروس (کرونا) است» مواجه هستیم. یکی از مهم‌ترین استلزامات و پیامدهای این استعاره این است که وقتی بی‌حجابی یا بدحجابی به مثابه بیماری یا ویروس تلقی شود، افراد بی‌حجاب و بدحجاب نیز به مثابه افراد بیمار و آلوده تلقی خواهند شد که می‌توانند سایر افراد جامعه را آلوده سازند. در نتیجه، زمینه برخورد قهری با این افراد و جداسازی آن‌ها از جامعه فراهم خواهد شد تا بیماری آن‌ها به دیگران سرایت نکند.

#### ۴-۲-۲. حوزه مفهومی جنگ

حوزه مفهومی جنگ علاوه بر مفهوم‌سازی حجاب و عفاف، برای مفهوم‌سازی بی‌حجابی و بدحجابی نیز به کار می‌رود اما بسامد کمتری دارد (با فراوانی ۱۰ مورد، معادل ۳۲ درصد از کل استعاره‌ها). در مثال‌های (۲۶) تا (۲۹) شواهدی از این موضوع ارائه شده است.

۲۶. بی‌حجابی جنگ آمریکا است (فارس، ۱۴۰۱/۷/۱۷).

۲۷. همانند تمامی شکست‌های دشمنان در سنگرهای مختلف، بی‌حجابی نیز گزینه‌ای شکست‌خورده بر روی میز دشمنان می‌شود (مهر، ۱۴۰۲/۲/۲۵).

۲۸. بی‌حجابی جنگ شناختی دشمنان علیه جوانان (باشگاه خبرنگاران جوان، ۱۴۰۲/۱/۱۱).

۲۹. بدحجابی پروژه نفوذ دشمن (مهر، ۱۴۰۲/۱/۲۸).

در مثال‌های (۲۶) تا (۲۸) تجلی استعاره مفهومی «بی‌حجابی، جنگ است» مشاهده می‌شود و در مثال (۲۹) «بدحجابی پروژه نفوذ دشمن است». وجود این استعاره‌های مفهومی مهر تائید دیگری بر این واقعیت است که از نظر مسئولان سیاسی و فرهنگی کشور، مقوله حجاب میدان جنگی است که در آن شاهد تقابل کشور با

دشمنانش هستیم؛ بنابراین، دستگاه‌ها و نهادهای حکومتی و رسانه‌های داخلی می‌کوشند با تلاش در راستای تقویت و ترویج حجاب، موضع کشور را در این میدان جنگ تقویت کنند.

#### ۴-۲-۳. حوزه مفهومی گیاهان

از نظر کووچش (۲۰۱۰: ۱۹)، حوزه مفهومی گیاهان از جمله پربسامدترین حوزه‌های مبدأ استعاری است چرا که ما انسان‌ها برای مقاصد خود گیاهان مختلف را می‌کاریم و پرورش می‌دهیم و به خاطر همین ارتباط، با انواع گیاهان، اجزای مختلف و مراحل رشد آن‌ها و همچنین فعالیت‌های مختلفی که در رابطه با گیاهان صورت می‌گیرد، آشنایی زیادی پیدا می‌کنیم. از جمله حوزه‌های مبدأ استعاری که برای مفهوم‌سازی پدیده بی‌حجابی به کار می‌رود، حوزه گیاهان است (با فراوانی ۵ مورد، معادل ۱۶ درصد از کل استعاره‌ها) که نمونه‌هایی از آن را در ادامه مشاهده می‌شوند.

۳۰. بدحجابی تبدیل به شجره ممنوعه این دوره و زمانه ما شده است و گویا خداوند متعال جامعه ما را با این شجره ممنوعه می‌آزماید، آن‌گونه که آدم و حوا را با «شجره ممنوعه» در بهشت آزمود (تسنیم، ۱۴۰۱/۳/۲۳).

۳۱. بدحجابی آفت اجتماع است (مهر، ۱۴۰۲/۲/۱۵).

در مثال (۳۰) دیده می‌شود که بی‌حجابی به مثابه یک شجره ممنوعه تلقی شده است که خداوند زنان را از نزدیک شدن به آن برحذر داشته است. همچنین این شجره ممنوعه وسیله‌ای برای امتحان الهی جامعه فرض شده است. ارجاع به مفاهیم دینی و اشاره مستقیم به داستان آدم و حوا در قرآن کریم، بار عاطفی و استدلالی استعاره مفهومی «بی‌حجابی شجره ممنوعه است» را افزایش داده و در نتیجه قدرت تأثیرگذاری آن را بیش‌تر کرده است. در مثال (۳۱) نیز بدحجابی به عنوان آفتی برای اجتماع مفهوم‌سازی شده که این استعاره نیز مبتنی بر حوزه مفهومی گیاهان است. تولیدکنندگان گفت‌مان حجاب با علم به باورها و گرایش‌های مذهبی جامعه و به‌ویژه مخاطبان خود، از استعاره‌های مبتنی بر مفاهیم دینی استفاده می‌کنند تا با تأثیرگذاری بر اذهان مخاطبان و برانگیختن احساسات دینی آنان، ایدئولوژی خاص خود را ترویج کرده و مخاطبان را در مورد آن اقناع سازند.

#### ۴-۲-۴. حوزه مفهومی آتش

انسان‌ها در اثر قرارگرفتن در شرایط محیطی مختلف، دمای محیط اطراف خود را به صورت گرما یا سرما احساس می‌کنیم و همین احساس گرما و سرما از اساسی‌ترین تجربیات انسان است. این تجربه فیزیکی موجب می‌شود مفاهیم مرتبط با گرما و سرما را به عنوان حوزه مبدأ در استعاره‌ها به کار گیریم و به کمک آن اشخاص و اشیاء را توصیف نماییم. مفهوم آتش نیز از مفاهیم مرتبط با گرما است که حوزه مبدأ پربسامدی برای توصیف احساسات و تمایلات انسان به شمار می‌رود (کووچش، ۲۰۱۰: ۲۱). در مثال‌های (۳۲) و (۳۳) کاربرد آتش را به عنوان حوزه مبدأ برای توصیف بی‌حجابی می‌بینیم (با فراوانی ۳ مورد، معادل ۱۰ درصد از کل استعاره‌ها).



۳۲. بی‌حجابی آتش متحرک است که اول خودش و بعد به هر جا و هر کسی بگیرد می‌سوزاند (فارس)، ۱۴۰۲/۲/۷.

۳۳. در مسأله عفاف و حجاب دشمن با برنامه وارد شده و ما هم باید با برنامه عمل کنیم و بخشی از این برنامه بر عهده خانواده‌ها و والدین و همسران است که باید مواظب باشند آتشی که دشمن روشن می‌کند، آن را شعله‌ور نکنند و نسبت به حجاب و پوشش دختران و همسران بی‌تفاوت نباشند (مهر، ۱۴۰۲/۳/۱۲).

در این دو مثال تجلی استعاره مفهومی «بی‌حجابی، آتش است» دیده می‌شود. در مثال ۳۳، «دشمن» به عنوان عامل روشن کردن این آتش معرفی می‌شود که ارتباط این استعاره با استعاره‌های مبتنی بر حوزه جنگ را نشان می‌دهد. مفهوم‌سازی بی‌حجابی به مثابه آتش که پدیده‌ای خطرناک و قابل سرایت است، نشان می‌دهد که از نظر تولیدکنندگان گفتمان حجاب، باید با بی‌حجابی به صورت فوری و جدی مقابله کرد تا این آتش گسترش پیدا نکند و خطرات آن جامعه را تهدید ننماید.

#### ۴-۲-۵. حوزه مفهومی بازار

پیش‌تر بیان شد که در گفتمان حجاب از استعاره‌های مبتنی بر حوزه مفهومی بازار برای بیان مفهوم حجاب استفاده می‌شود. مثال‌های (۳۴) و (۳۵) نشان می‌دهند که این حوزه مفهومی برای بیان استعاری بی‌حجابی نیز کاربرد دارد (با فراوانی ۲ مورد، معادل ۷ درصد از کل استعاره‌ها).

۳۴. بی‌حجابی یک پدیده شوم و محصول وارداتی استکبار بین دختران و زنان است (مهر، ۱۴۰۲/۲/۲۹).

۳۵. طلاق، ازدواج سفید، بی‌حرمتی به بزرگان، ترویج بد اخلاقی در فضای مجازی، بی‌حجابی و بی‌عفتی سوغات فرهنگ منحط غرب در جامعه اسلامی ما است (مهر، ۱۴۰۲/۱/۳۰).

در این دو مثال از مفاهیم محصول وارداتی و سوغات برای بیان مفهوم بی‌حجابی استفاده شده است که هر دو آن‌ها از مفاهیم وابسته به بازار هستند. ذکر مفهوم بی‌حجابی به عنوان پدیده شوم (در مثال ۳۴) و در کنار مفاهیمی مانند طلاق، ازدواج سفید و غیره (در مثال ۳۵) نشان از نگاه منفی تولیدکنندگان گفتمان حجاب نسبت به این موضوع دارد. در این جا بی‌حجابی به مثابه محصول یا سوغاتی تلقی شده است که از فرهنگ غربی وارد جامعه شده است و از آن جا که تناسبی با فرهنگ ما ندارد باید مانع از ورود آن به کشور و رواج آن در جامعه شد.

## ۳-۴. کارکردهای استعاره‌ها در گفتمان حجاب

استعاره‌ها را نباید منحصرأ عباراتی زبانی دانست که در گفتار و نوشتار ظاهر می‌شوند؛ استعاره‌ها انعکاسی از شیوه‌های تفکر ما هستند و نشان می‌دهند که ما جهان اطراف خود را چگونه درک می‌کنیم. استعاره‌ها از لحاظ تعریف و ماهیت، صرفاً یک صنعت ادبی نیستند که زینت‌بخش کلام باشند، بلکه روشی برای درک یک مفهوم براساس مفهومی دیگر هستند (چارتیس-بلک، ۲۰۰۴). بنابراین، وقتی که با استعاره‌های حجاب در گفتمان مسئولان یا مطبوعات کشور مواجه می‌شویم، برای مثال استعاره‌های مبتنی بر حوزه مفهومی جنگ، باید بدانیم که این استعاره‌ها نشان می‌دهند که آن‌ها مقوله حجاب را به عنوان یکی از مفاهیم بحث‌برانگیز در سال‌های اخیر، به مثابه عرصه‌ای برای نبرد بین نظام و دشمنانش تصور می‌کنند. مفهوم‌سازی مقوله حجاب به مثابه میدان جنگ، پرچم، ویت‌ترین و غیره و همچنین مفهوم‌سازی بی‌حجابی/بدحجابی به مثابه ویروس، آفت، آتش و غیره از نظر استدلالی و عاطفی اثراتی بر مخاطبان می‌گذارد، زیرا همان‌طور که پژوهش‌های صورت‌گرفته در حوزه استعاره نشان می‌دهند، استعاره‌ها علاوه بر آن‌که درک مفاهیم را تسهیل می‌کنند (کارکرد شناختی)، بر قوه تعقل و عواطف مخاطبان نیز تأثیر می‌گذارند (کارکردهای استدلالی و عاطفی) و بدین ترتیب نقش مهمی در منازعات گفتمانی ایفا می‌کنند.

کارکرد استدلالی استعاره‌ها به تولیدکنندگان گفتمان این امکان را می‌دهد که از یک استعاره مفهومی خاص برای ارائه استدلال در حمایت از نقطه‌نظر و عقیده خاص خود استفاده کنند و بدین ترتیب، مخاطب را نسبت به آن نقطه‌نظر یا عقیده اقناع نمایند. تولیدکنندگان گفتمان حجاب با توسل به کارکرد استدلالی استعاره‌ها تلاش می‌کنند که برای دیدگاه‌ها و مواضع خود استدلال منطقی مبتنی بر مقایسه میان حوزه مبدأ و مقصد استعاره‌ها ارائه دهند و بدین ترتیب، مخاطبان را به سمت نتیجه‌گیری مورد نظر خود هدایت کنند. برای مثال، در استعاره‌های «حجاب خط مقدم است» و «حجاب سنگر است» که هر دو مبتنی بر حوزه مفهومی جنگ هستند، براساس حوزه مبدأ (یعنی جنگ) در مورد حوزه مقصد (یعنی حجاب) استدلال صورت می‌گیرد. این استدلال قیاسی را می‌توان به این صورت بیان کرد «همان‌طور که در میدان جنگ باید با همه قدرت و امکانات از خط مقدم و سنگر دفاع و محافظت کرد، در عرصه جامعه نیز باید با تمام قوا از حجاب دفاع کرد و آن را حفظ نمود». این استدلال که در ذات استعاره‌ها نهفته است، اهمیت حفظ حجاب در جامعه را به عنوان امری منطقی و ضروری توجیه می‌نماید و مخاطب را از لحاظ عقلانی اقناع می‌سازد. همچنین در بعضی از عبارات استعاره‌ی مبتنی بر حوزه جنگ می‌بینیم که از مفهوم جنگ در ارتباط با تاریخ صدر اسلام استفاده شده و حجاب به مثابه تنگه احد فرض شده است که باید با تمام توان از آن محافظت کرد تا به دست دشمن نیفتد. در اینجا، نوعی قیاس ضمنی بین دو مقوله حجاب و تنگه احد صورت می‌گیرد و مخاطب را به این استنباط می‌رساند که همان‌طور که در جنگ احد، مسلمانان از محافظت از تنگه احد غفلت کردند و ضربه خوردند، امروز نیز اگر از حجاب غفلت کنیم

و آن را حفظ نکنیم از دشمن ضربه خواهیم خورد. به عنوان مثالی دیگر، کارکرد استدلالی استعاره «حجاب، پرچم (اسلام) است» مبتنی بر این استدلال قیاسی است: «همان‌طور که پرچم نماد کشور یا گروه خاص است و باید تلاش کرد که همیشه برافراشته بماند، حجاب نیز نماد جامعه اسلامی است و باید تلاش کنیم که حجاب در جامعه همیشه حفظ شود».

قدرت تأثیرگذاری استعاره بر احساسات و عواطف مخاطبان تا به حدی است که چارتریس-بلک (۲۰۰۴): ۲۸ استعاره را یک کنش زبانی تلقی می‌کند، چرا که موجب برانگیختن واکنش‌های عاطفی در مخاطب می‌گردد. استعاره‌های به کار رفته در گفتمان حجاب و به ویژه استعاره‌های مبتنی بر حوزه مفهومی جنگ علاوه بر کارکرد شناختی و استدلالی، کارکرد عاطفی مهمی نیز ایفا می‌کند. جنگ پدیده‌ای شناخته شده برای اکثر ما انسان‌ها است و به دلیل آن که بر ابعاد مختلف زندگی انسان و حتی زنده ماندن یا مرگ او تأثیر عمیق می‌گذارد، دارای بار عاطفی قوی است. تولیدکنندگان گفتمان کرونا با مفهوم‌سازی مقوله حجاب به مثابه عرصه نبرد تلاش کرده‌اند تا مخاطبان را از نظر احساسی و عاطفی با خود همراه ساخته و اهمیت و حساسیت موضوع حجاب را در ذهن آن‌ها برجسته سازند. برای مثال، وقتی که حجاب به مثابه سنگر، خط مقدم، پرچم یا تنگه احد مفهوم‌سازی می‌شود، این احساس در مخاطب برانگیخته می‌شود که مقوله حجاب می‌تواند نقشی تعیین‌کننده در سرنوشت جامعه داشته باشد و ترویج بی‌حجابی در جامعه ممکن است به مثابه شکست در میدان جنگ با دشمن باشد.

همان‌طور که نشان داده شد، استعاره‌های مبتنی بر حوزه مفهومی جنگ پرکاربردترین استعاره‌های موجود در گفتمان حجاب هستند و نقش اساسی در صورت‌بندی این گفتمان دارند. از منظر زبان‌شناسی شناختی، استعاره‌ها ذاتاً قابلیت برجسته‌سازی<sup>۱</sup> و پنهان‌سازی<sup>۲</sup> دارند (چارتریس-بلک، ۲۰۰۴؛ کووچش، ۲۰۱۰). در این زمینه، کووچش (۲۰۱۰: ۹۱) اظهار می‌دارد که مفاهیم دارای جنبه‌های مختلف هستند و وقتی از یک مفهوم مبدأ خاص برای بیان یک مفهوم مقصد استفاده می‌کنیم، فقط برخی از جنبه‌های آن مفهوم مقصد در مرکز توجه ما قرار می‌گیرند و سایر جنبه‌های آن خارج از دایره تمرکز ما قرار می‌گیرند. بنابراین بعضی از جنبه‌های مفهوم مقصد برجسته می‌شوند و بعضی از جنبه‌های آن پنهان می‌مانند یا به حاشیه رانده می‌شوند. کووچش (۲۰۱۰) این فرایندها را برجسته‌سازی و پنهان‌سازی استعاره‌ی می‌نامد. با توجه به قابلیت برجسته‌سازی و پنهان‌سازی استعاره‌ها، تولیدکنندگان گفتمان از استعاره‌ها در جهت ترویج و تقویت مقاصد و ایدئولوژی‌های خاص خود و به حاشیه راندن ایدئولوژی‌های نامطلوب یا مخالف خود استفاده می‌کنند. بر این اساس، از جمله پیامدهای منفی تکیه بیش از حد بر مفهوم جنگ برای توصیف وضعیت حجاب در کشور این امر می‌تواند باشد که بخشی از واقعیت جامعه را پنهان می‌سازد و فقط بخش خاصی از آن را برجسته می‌سازد. آن بخشی که برجسته می‌شود نقش دشمن و رسانه‌های وابسته به آن است که سعی دارند تا از طریق تأثیرگذاری بر حجاب

1 highlighting

2 hiding

زنان، بر افکار و رفتار جامعه تأثیر بگذارند و مقاصد خود را به پیش ببرند. اما آن بخشی از واقعیت که پنهان می‌گردد نظر بخشی از جامعه زنان ایرانی است که به هر دلیلی مخالف حجاب هستند یا می‌خواهند در جامعه آزادی پوشش بیش‌تری داشته باشند.

## ۵. نتیجه‌گیری

بررسی استعاره‌های رایج در گفتمان حجاب در رسانه‌های فارسی‌زبان داخلی نشان داد که استعاره‌های مبتنی بر حوزه مفهومی «جنگ» مهم‌ترین استعاره‌هایی هستند که برای مفهوم‌سازی حجاب به کار می‌روند. در این زمینه با استعاره‌های مفهومی متعددی از قبیل «حجاب جبهه است»، «حجاب سلاح است»، «حجاب خط مقدم است» و «زنان سرباز هستند» مواجه می‌شویم که طبق رویکرد (چارتریس-بلک، ۲۰۰۴)، آن‌ها را می‌توان ذیل کلید مفهومی «مقوله حجاب میدان جنگ است» قرار داد. حوزه مفهومی جنگ در مفهوم‌سازی بی‌حجابی و بدحجابی نیز نقش قابل توجهی دارد. علاوه بر حوزه مفهومی جنگ، حوزه‌های دیگری مانند محافظت، ساختمان و بازار نیز برای مفهوم‌سازی حجاب به کار رفته‌اند. در طرف مقابل، مفهوم بی‌حجابی و بدحجابی نیز با استعاره‌هایی از حوزه بیماری، گیاهان، آتش و بازار نیز بیان شده‌اند.

به نظر می‌رسد که تولیدکنندگان گفتمان حجاب، با استفاده و تأکید عمدانه بر حوزه مفهومی جنگ برای بیان حجاب، در تلاش هستند تا از کارکرد استدلالی و عاطفی استعاره‌ها بیش‌ترین بهره‌برداری را به نفع گفتمان خود داشته باشند. آن‌ها با مفهوم‌سازی مقوله حجاب به عنوان یک میدان جنگ، از یک طرف دشمنان و به خصوص رسانه‌های معاند و مخالفان خارجی را مسئول وضعیت حجاب امروز کشور می‌دانند و بدین وسیله از خود سلب مسئولیت می‌نمایند. از طرف دیگر، با ایجاد فضای احساسی و ارتباط بحث حجاب با مقوله جنگ و به‌ویژه دفاع مقدس، و همچنین پیوند زدن آن با جنگ‌های صدر اسلام (مانند جنگ اُحُد) سعی دارند تا افکار عمومی جامعه را نسبت به وضعیت حجاب حساس نموده و نیروهای متدین را برای مقابله با آن‌چه بدحجابی یا بی‌حجابی نامیده می‌شود، تحریک و تهییج کند. استفاده از حوزه‌هایی مانند جنگ، آتش و بیماری برای مفهوم‌سازی بی‌حجابی و بدحجابی نیز بدین منظور است که خطرات کم‌توجهی جامعه و نهادهای مسئول نسبت به این پدیده‌ها به شکلی اغراق‌آمیز بیان شود و بدین وسیله فضای روانی و گفتمانی لازم برای مقابله با این پدیده‌ها که از منظر تولیدکنندگان گفتمان نامطلوب و زیان‌بار تلقی می‌شوند، در نزد جامعه و افکار عمومی فراهم شود.

در نهایت باید اشاره شود که استفاده از این استعاره‌ها در فضای گفتمانی حجاب عمدتاً معطوف به کارکرد اقناعی استعاره است که در واقع هر دو کارکرد استدلالی و عاطفی را شامل می‌شود. به عبارت دیگر، تولیدکنندگان گفتمان حجاب با استفاده از استعاره‌ها هم در جهت توجیه نگرش‌ها و عقاید ایدئولوژیکی خود به ارائه استدلال

می‌پردازند و هم بر عواطف مخاطبان خود تأثیر می‌گذارند و بدین وسیله آن‌ها را با مواضع و دیدگاه‌های خاص خود در رابطه با حجاب همسو می‌سازند.

### منابع

- انصاریان، شادی (۱۴۰۱). *تحلیل انتقادی گفتمان کارتون‌های حوزه سیاست خارجی ایران در چارچوب نظریه‌های استعاره و آمیختگی مفهومی*. رساله دکتری زبان‌شناسی. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- آیینوند، بهزاد (۱۳۹۰). *بررسی انتقادی-شناختی پدیده استعاره در گفتمان سیاسی ایران*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی. اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- بشیر، حسن (۱۳۹۰). *سیاست فرهنگی تفاوت در بازنمایی حجاب اسلام در رسانه‌های غربی*. *تحقیقات فرهنگی ایران*، ۱۵، صص. ۴۵-۷۰.
- ترابی، الهه (۱۳۹۲). *استعاره در گفتمان سیاسی: تحقیقی بر اساس سخنرانی‌های دکتر محمود احمدی‌نژاد*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی. زاهدان: دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- جاودانی‌مقدم، مهدی (۱۳۹۸). *بررسی سیر تطور گفتمان حجاب در سپهر سیاست و فرهنگ ایران*. *سیاست‌پژوهی ایرانی*، ۶ (۲۰)، صص. ۱۰۱-۱۳۳.
- رضایپور، ابراهیم و مریم یغمایی (۱۳۹۵). *نقش فرهنگ در ساخت و گزینش استعاره مفهومی حجاب در گفتمان فرهنگی فارسی از منظر نظریه گفتمانی استعاره*. *مطالعات زبان‌ها و گویش‌های غرب ایران*، ۳ (۱۵)، صص. ۷۳-۸۹.
- غفوری صالح، گلناز و فروغ کاظمی (۱۴۰۰). *استعاره‌های مفهومی و کارکردهای آنها در گفتمان سیاسی دولت تدبیر و امید*. *علم زبان*، ۸ (۱۳)، صص. ۳۰۵-۳۳۳.
- فاضلی، فیروز و بهروز سلطانی (۱۳۹۴). *الگوی اقناعی استعاره در گفتمان اجتماعی- سیاسی؛ تغییر، تلقین و تثبیت نگرش‌های اجتماعی- سیاسی*. *فصلنامه نقد ادبی*، ۸ (۳۱)، صص. ۹۱-۱۱۴.
- مشیری بردسکن، پروین (۱۳۹۶). *استعاره‌های مفهومی در گفتمان سیاسی وزرای امور خارجه ایران و ایالات متحده آمریکا با موضوع ایران در سال ۲۰۱۵*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی. سمنان: دانشگاه سمنان.
- نورمحمدی، مهتاب و محمد دبیرمقدم (۱۳۹۸). *تحلیل انتقادی استعاره‌ها در مناظره‌های تلویزیونی انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۹۶ ایران*. *رسانه‌های دیداری و شنیداری*، ۱۳ (۳۰)، صص. ۲۲۷-۲۵۲.
- Charteris-Black, J. (2004). *Corpus approach to critical metaphor analysis*. New York: Palgrave Macmillan.
- Charteris-Black, J. (2011). *Politics and rhetoric: The persuasive power of metaphor*. 2<sup>nd</sup> Ed. New York: Palgrave Macmillan.
- Chilton, P. & G. Lakoff (1995). Foreign policy by metaphor. In C. Schaffner & A. Wenden (Eds.), *Language and Peace* (pp. 37-60). Aldershot: Ashgate.
- Flusberg, S. J., T. Matlock & P. H. Thibodeau (2018). War metaphors in public discourse. *Metaphor and Symbol*, 33 (1), 1-18.
- Hart, C. (2010). *Critical discourse analysis and cognitive science: New perspectives on immigration discourse*. Basingstoke: Palgrave.
- Kövecses, Z. (2010). *Metaphor: A practical introduction*. 2<sup>nd</sup> Ed. Oxford: Oxford University Press.
- Kövecses, Z. (2018). Metaphor in media language and cognition: A perspective from conceptual metaphor theory. In *Lege artis. Language yesterday, today, tomorrow. The journal of University of SS Cyril and Methodius in Trnava*. Warsaw: De Gruyter Open, III (1), 124-141.

- Lakoff, G. (1991). Metaphor and war: The metaphor system used to justify war in the Gulf. *Peace Research*, 23(2-3), 25-32.
- Lakoff, G. (1993). The contemporary theory of metaphor. In: A. Ortony (Ed.), *Metaphor and thought* (2<sup>nd</sup> edition), (pp. 202-251). Cambridge: Cambridge University Press.
- Lakoff, G., & M. Johnson (1980). *Metaphors we live by*. Chicago: Chicago University Press.
- Musolff, A. (2004). *Metaphor and political discourse: Analogical reasoning in debates about Europe*. New York: Palgrave Macmillan.
- Musolff, A. (2012). The study of metaphor as part of critical discourse analysis. *Critical Discourse Studies*, 9(3), 301-310.
- Musolff, A. (2016). *Political metaphor analysis: Discourse and scenarios*. London: Bloomsbury.
- Ritchie, D. (2022). Decoding information: The abuse of personification and machine metaphors. In S. Wuppuluri & A. C. Grayling (eds.), *Metaphors and analogies in sciences and humanities: Words and worlds* (pp. 239-252). Cham: Springer.
- Semino, E. (2008). *Metaphor in discourse*. Cambridge, England: Cambridge University Press.
- Steen, G. J., A. G. Dorst, J. B. Herrmann, A. A. Kaal & T. Krennmayr (2010). *A method for linguistic metaphor identification: From MIP to MIPVU*. Amsterdam: John Benjamins.
- Thibodeau, P. H. & L. Boroditsky (2011). Metaphors we think with: The role of metaphor in reasoning. *PLoS ONE*, 6 (2), 1-11.
- Ungerer, F. & H. J. Schmid (2006). *An introduction to cognitive linguistics* (2<sup>nd</sup> ed.). Harlow: Pearson Education Limited.
- Zhang, X. (2021). Development and critiques of conceptual metaphor theory. *Theory and practice in language studies*, 11(11), 1487-1491.